

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ Scopus

صص ۹۰ - ۱۱۵

تحلیل ژئوپلیتیکی روابط کشورهای شمال اقیانوس هند بر تدوین

سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران

دکتر علیرضا محرابی - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
قاسم عباسیان* - کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.71.4.9

چکیده

رفتار سیاسی یک کشور در عرصه فرامرزی و جهانی، برگرفته از ژئوپلیتیک و اهداف معطوف به آن است. امروزه کشورهای دنیا تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از عوامل ژئوپلیتیکی و سایر عوامل مؤثر بر قدرت ملی نسبت به اتخاذ سیاست‌گذاری‌های مناسب در راستای پیشرفت همه‌جانبه، اقدام نمایند. با توجه به تغییرات موجود در نظام بین‌الملل، ایران نیز همگام با سیاست‌های جهانی، درصدد بازتعریف سیاسی و تبیین نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود است. بدون شک حفظ و ارتقای چنین جایگاهی، تنها با ارائه هدفی جدید و واگذاری به پارادایم جدید، یعنی دسترسی به یک قدرت منطقه‌ای، امکان‌پذیر است. تبدیل شدن ایران به یک هژمون منطقه‌ای البته نه به صورت مکانیکی و فیزیکی و یا صرفاً ایدئولوژیکی، بلکه به صورتی که بتوان از قدرت‌های رقیب در منطقه جلوتر رود، نیاز به برنامه‌ریزی جامعی دارد. پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از روش تفسیری تحلیلی، در تلاش است تا با فرض وجود رقابت‌های گسترده بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه شمال اقیانوس هند، با توجه به نقش و عملکرد کشور ایران در آب‌های اقیانوس هند، ابتدا به تبیین تحلیل رابطه نقش ژئوپلیتیک شمال اقیانوس هند در تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخته و سپس به ابعاد گوناگون عوامل ژئوپلیتیکی در نقش‌آفرینی ایران در این منطقه، بپردازد و در نهایت به ارائه راهکارهایی برای بهبود عملکرد سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در این پهنه‌ی مهم بپردازد. در این راستا، کشور ایران با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین منافع اقتصادی و امنیت ملی خود تولید می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، شمال اقیانوس هند، سیاست‌گذاری، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

ایران، جزء معدود کشورهایی است که به علت موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود و به دلیل همسایگی با پانزده کشور و دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین تسلط بر تنگه راهبردی هرمز، از جایگاه خاصی در نقش آفرینی‌های خود در منطقه برخوردار است. در سال‌های اخیر در اثر بروز تحولات در منطقه خلیج فارس، برخی چالش‌های سیاسی و امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه رخ داده است (Gafary veldani, 2005). روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای خلیج فارس، با توجه به مسائل مختلفی از جمله عراق، لبنان، جنگ سی‌وسه روزه، حمله رژیم صهیونیستی به غزه، اوپک و سیاست‌های نفتی، روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، حج، نقش شیعیان، بحران بحرین و وقایع سوریه، حضور گروه‌های تروریستی تکفیری، برنامه هسته‌ای ایران و مسائل برجام، خریدهای تسلیحاتی کشورهای منطقه و نیز عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای منطقه مانند امارات و رژیم صهیونیستی، تحت‌الشعاع قرار گرفته و موجبات واگرایی و بروز تنش‌هایی بر روابط آن‌ها را فراهم آورده است (Mossallanejad, 2018: 20-52). علاوه بر چالش‌های سیاسی و امنیتی در منطقه خلیج فارس، در منطقه مورد تحقیق یعنی کشورهای شمال اقیانوس هند نیز به دلیل اهمیت و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده، فرانسه و انگلستان، درگیری‌های نظامی، رقابت‌های روزافزون هند و چین، پتانسیل تقابل هسته‌ای هند و پاکستان و کشورهای تاثیرگذار باعث گردیده تا در اثر رقابت و رشد اقتصادی و نظامی توسط این قدرت‌ها، بر اهمیت این منطقه در نظام بین‌الملل، بیش از پیش افزوده شود.

موارد اشاره شده ضرورتی پدید می‌آورد تا نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی به منظور تعقیب اهداف و منافع ملی در قبال کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای شمال اقیانوس هند، روشن گردد و سپس با شناخت عوامل ژئوپلیتیکی و رابطه آن با سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، نسبت به تدوین این سیاست‌گذاری‌ها اقدام گردد.

در این تحقیق تلاش شده است ضمن تحلیل ژئوپلیتیکی روابط فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند، سیاست‌گذاری‌های مناسبی برای تحقق منافع ملی و اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن موقعیت خاص ژئواستراتژیکی در منطقه شمال اقیانوس هند، مسئولیت بیشتری در قبال توسعه اقتصادی، سیاسی و ثبات و امنیت منطقه دارد. از این رو، لازم است سیاست‌های تعاملی ایران با کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند، برقراری روابط دوجانبه و چندجانبه، متناسب با چالش‌های جدید بین‌المللی از جمله تروریسم، جهانی شدن، نفت، موافقت‌نامه گات و غیره در راستای منافع ملی و منطقه‌ای باشد (saghafi amery, 2012:141). لذا جمهوری اسلامی ایران، ائتلاف‌سازی و ایجاد اعتماد که همان حداکثرسازی همکاری با سایر بازیگران در منطقه است را به عنوان نیاز و دغدغه اصلی سیاست خارجی خود در دستور کار، قرار داده و در این راستا، سه محور ائتلاف با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاورمیانه، همکاری با کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین همکاری منطقه‌ای ایران در حوزه شمال اقیانوس هند (آسیای جنوبی، شرق و جنوب شرق آسیا) در چارچوب پیمان شانگهای را پیگیری می‌کند. بدین ترتیب همکاری‌های دو و چندجانبه می‌تواند زمینه‌ساز امنیت و ثبات در منطقه باشد.

بنابراین با توجه به این که تدوین سیاست‌گذاری‌های مناسب در حوزه شمال اقیانوس هند، مستلزم شناخت عوامل ویژه ژئوپلیتیکی حوزه و بررسی تأثیر آن عوامل بر تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد لذا، تعیین مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی در نقش‌آفرینی ایران در منطقه شمال اقیانوس هند و همچنین بررسی میزان و اولویت‌بندی عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند بر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، مسئله پژوهش خواهد بود تا با دستیابی به این مهم، گام مؤثری در جهت کمک به طراحی و تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه شمال اقیانوس هند که در آینده توسط سایر محققین و طراحان سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران صورت خواهد گرفت، برداشته شود. تدوین سیاست‌گذاری‌های مناسب در حوزه شمال اقیانوس هند، مستلزم شناخت

عوامل ویژه ژئوپلیتیکی حوزه و بررسی تأثیر آن عوامل بر تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد لذا مقاله حاضر با ((هدف، بررسی میزان تأثیرگذاری و اولویت‌بندی عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند بر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است.)) در این راستا پرسش زیر مورد توجه بوده است:
((عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند به چه میزان و با چه اولویتی بر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارند؟))

۲. روش تحقیق

این تحقیق با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی در نقش‌آفرینی ایران در منطقه شمال اقیانوس هند می‌پردازد. در این راستا، مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند که بیشترین تأثیرگذاری را در جهت کمک به سیاست‌گذاری‌ها دارند، مورد بررسی قرار گرفت که مشخص گردید در حوزه شمال اقیانوس هند، ۵ مؤلفه کلان ژئوپلیتیکی موثر به ترتیب اولویت شامل مؤلفه اقتصادی، مؤلفه سیاسی (داخلی و بین‌المللی)، مؤلفه نظامی-امنیتی، مؤلفه طبیعی (فیزیکی) و مؤلفه انسانی-اجتماعی بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، تأثیر دارند. این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. سیستم ژئوپلیتیکی جهان

کوهن بر اساس این نظریه، جهان را به حوزه‌های ژئواستراتژیک تقسیم کرده است. حوزه‌های ژئواستراتژیک نماینده گونه ویژه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در دو بخش پهناور گیتی هستند و منطقه‌های ژئوپلیتیک به‌طور معمول از تجانس جغرافیایی و هماهنگی‌های محیط انسانی بیشتری در یک زمینه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یا همه این زمینه‌ها برخوردار هستند. کوهن سه حوزه ژئواستراتژیک را در سال ۲۰۰۳ میلادی بیان کرد: ۱. حوزه‌های دریایی وابسته به تجارت اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام ۲. هارتلند روسی بری اورآسیایی ۳. آسیای شرقی که ترکیبی از بری و بحری است.

در حوزه سوم یعنی شرق آسیا، چین به عنوان یک ملت تجاری عمده ظهور یافته است، اما به بخشی از جهان بحری تبدیل نشده است و هنوز هم بری گرا است. چین قدرت خود را به سوی جنوب به سمت حکومت‌های هند، ویتنام، کامبوج و لائوس گسترش داده است (Kliot, 2009: 168-169). هفت کشور واقع در شبه قاره هند به عنوان تشکیل دهنده منطقه ژئوپلیتیک شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، هند، مالدیو، سریلانکا، بنگلادش، میانمار، نپال و بوتان است. در این حوزه، اختلافات اساسی بر روی قلمرو و همچنین اختلافات مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی تمرکز دارد. معادله‌های ژئوپلیتیک این منطقه بیشتر تحت تأثیر دو قدرت مهم و برتر این منطقه یعنی هند و پاکستان است.

منطقه شمال اقیانوس هند و به خصوص خلیج فارس و تنگه هرمز به دلیل ذخایر فراوان انرژی و تأمین نفت خام ۶۰ تا ۶۵ درصدی جهان و استقرار پایگاه‌های زمینی، دریایی و هوایی ایالات متحده، به یکی از کانون‌های تنش‌زا در سطح جهان، تبدیل شده است (Cohen, 1973). حضور نظامی ایالات متحده به عنوان قدرت فرمانطقه‌ای در این حوزه ژئواستراتژیک و استقرار در جزیره دیه گوگاریا، علاوه بر تأمین امنیت تجارت دریایی در راستای تأمین امنیت شاخک‌های حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند از جمله خلیج فارس می‌باشد. ایران به عنوان کشوری که در حوزه ژئواستراتژیک خلیج فارس قرار دارد، برای مواجهه با قدرت‌های ژئواستراتژیک (آسیای شرقی و جنوب شرقی با محوریت چین) و همچنین منطقه ژئوپلیتیک با محوریت هند، سیاست‌گذاری خود را در راستای منافع ملی و منطقه‌ای با توجه به شناخت‌شناسی و تعیین منافع‌گرایی اتخاذ می‌نماید. این شناخت‌شناسی و تعیین منافع با محاسبه دقیق چگونگی مواجهه با حضور کشورهای قدرتمند و برتر در منطقه، صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر پیشرفت اقتصادی، برای حفظ و ارتقاء جایگاه ویژه خود در منطقه، لازم است به تولید قدرت برای بقاء و ارتقاء موقعیت ساختاری خود، از طریق الگوهای مبتنی بر خودیاری و خوداتکایی و نیز ائتلاف‌سازی بپردازد (Hafeznia and et.al, 2012: 197-229).

لذا همگرایی منطقه‌ای، زمینه شکل‌گیری منطقه‌گرایی‌های سیاسی-اقتصادی چندگانه در حوزه شمال اقیانوس هند را فراهم کرده است.



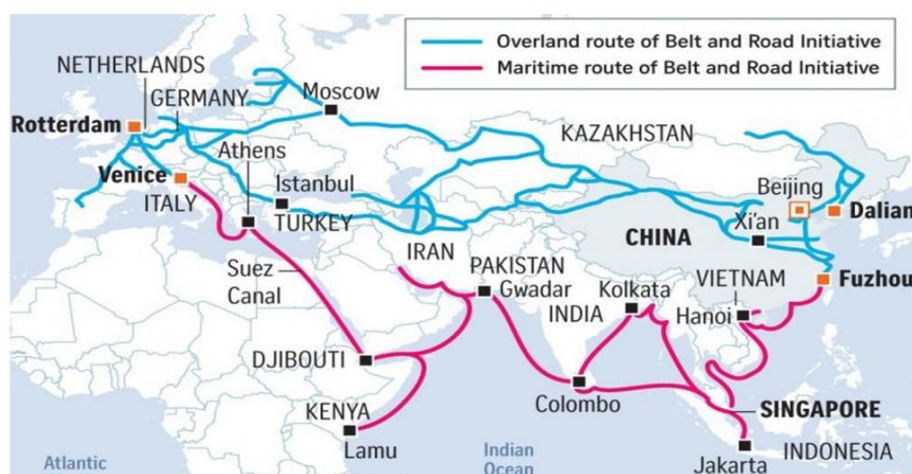
شکل (۱): نقشه خطوط مواصلاتی تجارت دریایی در اقیانوس هند

(Source: www.Iranreview.org)

۲-۳. اتخاذ سیاست‌گذاری‌های کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه شمال اقیانوس هند قرن بیست و یکم را اقتصاددانان و استراتژیست‌های بزرگ، حوزه آسیا- پاسیفیک می‌دانند که نیمی از جمعیت کره زمین و بازار مصرف، مرکز تولید ثروت و سرمایه، خاستگاه و مهد تولید فناوری و تجمع آن، در این منطقه خواهد بود (Rahimpoor, 2002: 183-184). به همین دلیل آمریکا، بخش عمده‌ای از توجه و تمرکز خود را در این سده به این منطقه، اختصاص داده تا هم بتواند از منافع سرشار اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره نهایت بهره را ببرد و هم رفتار بازیگران بزرگ منطقه‌ای نظیر هند، چین، ژاپن و روسیه را در کانون توجه و نظارت خود قرار دهد. آمریکا با بهره‌گیری از موقعیت خود به عنوان تنها ابرقدرت جهان در صدد تامین اهداف سیاسی و استراتژیک خود بوده که نقش این کشور را در منطقه و تعاملات مربوط تا حدی متمایز و عمده‌تر از دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای ساخته است (Mearsheimer, 2010). سیاست‌گذاری آمریکا در منطقه شمال اقیانوس هند، ایجاد نگرانی از قدرت چین است که باعث گردیده در عرصه سیاست خارجی، این کشور تحرکاتی را برای مقابله با قدرت فزاینده چین در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انجام دهد (Rasooli Saniabadi, 2019: 188-208). در سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده که در دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، چین به‌عنوان کشوری به تصویر کشیده شده است که در تلاش است جایگزین آمریکا در منطقه هندوپاسیفیک شود، الگوی اقتصادی خود را در

جهان گسترش دهد و معماری امنیتی جدید را در منطقه به سود خود، ایجاد کند (National Security Strategy of USA). شورای آتلانتیک نیز یک گزارش راهبردی را در اکتبر ۲۰۱۷ میلادی با عنوان راهبرد ایالات متحده در قبال ابتکار کمربند راه چین به قلم گل لافتمتشر کرده است. در این مقاله از ابتکار کمربند راه به عنوان عامل ایجاد کننده یک آسیب، برای بشریت یاد شده و به ایالات متحده هشدارهایی، داده شده است. اقدامهایی که در دهه اخیر از طرف آمریکا، در مورد کشورهای ژاپن، کره جنوبی، تایوان، کشورهای آ. سه. آن و از همه مهم تر هند انجام شده، نشان دهنده آن است که سیاست محاصره ای چین، بسیار جدی دنبال شده است. کشور چین نیز با دستیابی به ابتکارهایی موثر مانند ابتکار امنیت آسیا، بانک توسعه زیرساخت های آسیا و ابتکار کمربند - راه، تلاش نموده و به موفقیت هایی نیز رسیده است تا سیاست چرخش به آسیا را از سوی آمریکا، ناکام و با همراهی برخی همسایگان، امکان های جدیدی برای گسترش تجارت و حضور و نفوذ منطقه ای و فرامنطقه ای ایجاد کند. مهمترین مسئله چین، برای قدرت هژمون، برتری نسبی آن در قدرت اقتصادی و نظامی در برابر سایر بازیگران بین المللی است. چین در سیاست خارجی خود نسبت به کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا، به جای اقدامات مبتنی بر زور، برای ترسیم الگوی جدید مناسبات و روابط، بر اقدامات تعاملی و همکاری برای تحکیم روابط موجود، تاکید می کند. ابتکار کمربند راه، علاوه بر راهبرد سیاست خارجی چین، راهبرد توسعه بلندمدت کشور و روشی برای اصلاح ساختار اقتصادی آن است (Laaksonen and Makinen, 2012). شش کریدور همکاری اقتصادی بین المللی برای مسیر زمینی ابتکار کمربند راه شامل کریدور چین به اروپا (دریای بالتیک) که از مسیر آسیای مرکزی و روسیه عبور و به شرق اروپا و دریای بالتیک می رسد و از آن با عنوان پل سرزمینی اوراسیای جدید یاد می شود، کریدور چین، مغولستان، روسیه، کریدور چین - آسیای مرکزی - غرب آسیا، کریدور چین - شبه جزیره هندوچین، کریدور چین - پاکستان و کریدور بنگلادش، چین، هند، میانمار است. جاده ابریشم دریایی نیز، مناطق جنوب شرقی آسیا، جنوب قاره هند، خاورمیانه و شمال آفریقا، مدیترانه و شمال اروپا را به یکدیگر متصل خواهد کرد. خطوط کلی جاده ابریشم دریایی در قرن بیست و یکم دربرگیرنده دو مسیر سواحل چین - دریای جنوبی چین - اقیانوس هند -

دریای مدیترانه، سواحل چین- دریای جنوبی چین- جنوب منطقه اقیانوسیه است. با این حال، اتصالات فرعی و انشعابات این دو مسیر کلی در اقیانوسیه، بر تمام مناطق جنوب آسیا از شرق تا غرب گسترش یافته و از آنجا تا سواحل شرقی آفریقا نیز ادامه خواهد یافت. در حال حاضر چین، در طرح‌های ساخت بنادر در گوادر (پاکستان)، کلمبو و هامبان توتا (سريلانکا) و چیتاگونگ (بنگلادش) سرمایه‌گذاری کرده است و هم‌چنین در تلاش برای توسعه بندر زیردریایی جزیره سونادیا است.



شکل (۲): نقشه ابتکار یک کمربند، یک جاده

(Source: <http://www.Kojaroo.com>)

سیاست‌گذاری کشورهای جنوب‌شرق آسیا و در راس آنها اندونزی و مالزی، تحکیم روابط اقتصادی با ایجاد اتحادیه ملل جنوب‌شرق آسیا (با عضویت کشورهای اندونزی، مالزی، تایلند، فیلیپین و سنگاپور) است. بر همین اساس، کشورهای این حوزه، مشکلات ارضی و مرزی خود را کنار گذاشته و اتحادیه‌هایی نظیر مجمع جنوب و شرق آسیا (با عضویت کشورهای مالایا، فیلیپین و تایلند)، مجمع مافیلیند و (مالایا، اندونزی و فیلیپین) و مجمع جنوب‌شرق آسیا موسوم به آ.سه.آن را تشکیل دادند. مجمع جنوب و شرق آسیا و مجمع مافیلیند، به دلیل درگیری‌های سیاسی از جمله چالش در موضوع منطقه دریایی "صبح" بین مالایا و فیلیپین و همچنین اختلاف‌نظرها در مورد موجودیت مالزی میان مالایا و اندونزی از یک‌سو و فیلیپین از سوی

دیگر، متوقف شد. اتحادیه آ.سه.آن به دلیل کمک‌ها و حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده، به‌عنوان سردمدار مبارزه با کمونیسم، شکل واقعی به خود گرفت و از طرفی با پایان یافتن جنگ سرد و رفع خطر کمونیسم به تدریج انگیزه‌های امنیتی و سیاسی که در تشکیل اتحادیه آ.سه.آن نقشی اساسی و کلیدی را ایفا کرده بودند، کمرنگ و در مقابل، ابعاد اقتصادی همکاری‌های میان اعضا، بیشتر برجسته شد (Soltani and et.al,2014:501-520).

هند در سیاست‌گذاری خود، محیط ژئواستراتژیک بحری را بر اساس حوزه اقیانوس آرام، تعریف می‌کند. از این‌رو تنگه هرمز، مرز غربی این محیط ژئواستراتژیک قرار دارد. هند، چنانچه بخواهد جلوی قدرت دریایی چین در اقیانوس هند که قلمرو اختصاصی راهبرد بحری این کشور قرار دارد، مانع ایجاد کند ناچار است به ایران و دریای عمان توجه و تمرکز خاصی داشته باشد در غیراین‌صورت بخش غربی اقیانوس هند و ادامه آن دریای عمان و خلیج فارس در اختیار راهبرد بحری چین قرار خواهد گرفت و هند را در درازمدت با چالش مهمی، روبرو خواهد کرد (Niyakoei and et.al,2014:136-141).

اهمیت ایران از سوی دیگر، توانایی منحصربه‌فرد قلمرو جغرافیایی آن برای ارتباط هند با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت روسیه است (Hafeznia and et.al,2005:5-20). منفعت راهبردی هند در رابطه با ایران در زمینه سیاست‌های این کشور برای معرفی خود به‌عنوان یک قدرت روبه رشد و ظهور جهانی نیز هست. هند بر اساس نگاه به شرق خود، علاقه‌مند به افزایش نفوذ و اثرگذاری در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، افغانستان و قدرت بسیار بزرگی است که دغدغه‌های آن فراتر از پاکستان است. در این میان، ایران می‌تواند در رسیدن هند به اهداف خود در مناطق پیرامونی‌اش کمک کند (Nasirpour,2018:165-187). هند با ورود به آسیای مرکزی از طریق ایران، پاکستان را از بهره‌مندی عمق راهبردی مطلوب در صورت حمله نظامی هند به آن محروم می‌سازد. برای هند، رابطه با ایران نوعی نشان استقلال کشور در برابر قدرت‌های جهانی نیز محسوب می‌شود. هند در کنار همکاری با آمریکا، خود را قدرتی نوظهور در عرصه جهانی می‌داند و به دنبال نقش‌آفرینی در عرصه بین‌المللی است (Medcalf,2013).

۳-۳. چالش‌های فراوری کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند در راستای دستیابی به همگرایی منطقه‌ای موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی حاکم بر حوزه خلیج فارس و دریای عمان، حوزه شبه‌قاره هند و حوزه آسیا- پاسیفیک به عنوان یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در نقش‌آفرینی منطقه‌گرایی شمال اقیانوس هند قلمداد می‌گردد. شمال اقیانوس هند به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی متنوع، در اثر دخالت‌های کشورهای فرامنطقه‌ای، باعث گردیده همگرایی منطقه‌ای با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو گردد. اختلافات مرزی و حاکمیت‌های سرزمینی در کشورهای شمال اقیانوس هند، زمینه‌ساز ظهور گرایش‌های افراطی ملی‌گرایانه، تعمیق اختلافات دوجانبه و عدم تمایل به هم‌پیمان‌سازی‌های منطقه‌ای در اثر رقابت‌های ژئوپلیتیکی گردیده و باعث شده که منطقه‌گرایی شمال اقیانوس هند به صورت یکپارچه و یکدست، شکل واقعی به خود نگیرد و شاهد واگرایی منطقه‌ای و همراهی و همگامی کشورهای شمال اقیانوس هند با سیاست‌های آمریکا در منطقه باشیم. با توجه به این که سیاست کشورهای شمال اقیانوس هند، محل تلاقی چشم‌اندازهای سیاسی متنوعی است، ساختارهای همکاری و همگرایی سیاسی بین آنها، شکننده است (Pishgahifard, 2009: 153-190). از دلایل عمده عدم همگرایی سیاسی در منطقه شمال اقیانوس هند، تنوع نهادها و آرایش‌های دیپلماتیک و کثرت طیف‌های بازیگران و قدرت‌های آسیایی و نوع پیوندهای برخی قدرت‌های آسیایی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از منظرهای گوناگون، پیرامون منطقه‌گرایی در شمال اقیانوس هند پیروی می‌کنند که با وجود برخی تجانس‌ها، دارای اهداف و چشم‌اندازهای رقابت‌آمیزی هستند. چالش‌های ژئوپلیتیکی پیدا و پنهان منطقه‌ای (نظیر منطقه مورد اختلاف کشمیر بین هند و پاکستان و اختلاف بین هند و چین و غیره) و افزایش قدرت بازیگران برای رقابت ژئوپلیتیکی، مانع مهمی در زمینه سیاست منطقه‌گرایی در شمال اقیانوس است. آمریکا از سیاست‌های ایجابی در زمینه همگرایی در منطقه شمال اقیانوس هند پیروی نمی‌کند بلکه درصدد است تا با تعامل با نهادهای منطقه‌ای شمال اقیانوس هند در جهت مدیریت آنها گام‌برداری نموده و مانع از توسعه و پیشرفت کشورهای این حوزه در سطح جهانی گردند (Zarei, 2018). امروزه آمریکا، نگاه مثبتی برای همگرایی منطقه‌ای بدون حضور خود ندارد. به دلیل حضور ژئواستراتژیک آمریکا و

موقعیتش به عنوان دولت دو فاکتوری منطقه، باعث گردیده که در روند تاسیس نهادهایی مثل تاسیس بخش آسیایی صندوق بین‌المللی پول و دیگر سامانه‌های اقتصادی منطقه‌ای بدون حضور آمریکا، اقدامی صورت نپذیرد. تنها پیمان منطقه‌گرایی که آمریکا در زمان اواما از آن حمایت کرد، پیمان فراپاسفیک بود که در کمتر از چند ماه بعد از ریاست جمهوری ترامپ، آمریکا را از آن پیمان خارج و نگاه بدبینانه‌ای نسبت به همگرایی منطقه‌ای نشان داد. بنابراین با وجود ناهمگنی‌ها و تفاوت‌ها در نظام اجتماعی و اقتصادی، کشورهای منطقه شمال اقیانوس هند به این واقعیت پی برده‌اند که منطق اقتصادی، عامل بسیار مهمی برای تقویت چارچوب‌های منطقه‌گرایی و تحقق همگرایی اقتصادی، مالی، اجتماعی، تجاری و فرهنگی به شمار می‌رود. آنها تاکنون از همکاری‌های اقتصادی بسیاری، بهره‌مند شده‌اند و به دنبال گسترش این همکاری‌ها به منظور تحقق همگرایی و رسیدن به هویت آسیایی مشترک هستند. از سوی دیگر ایجاد همگرایی بین کشورهای شمال اقیانوس هند از طریق اعتمادسازی بین کشورها صورت می‌گیرد زیرا بدون آن منطقه‌گرایی، ایجاد نخواهد شد. در این راستا، کشور هند برای تقویت همگرایی، ضمن حفظ مزیت جغرافیایی خود درصدد جلوگیری از تحریک چین است. هند تلاش می‌کند برتری استراتژیک خود در برابر چین را با حداقل هزینه ممکن، حفظ کند. پانیکار پدر استراتژی دریایی هند برای کاهش هراس چین از محدودیت‌های احتمالی بنادر شرقی‌اش در اقیانوس آرام، پیشنهاد تبدیل شدن بندر رنگون توسط معاهده بین‌المللی به بندر آزاد را داده است: (Panikkar, 1943: 103).

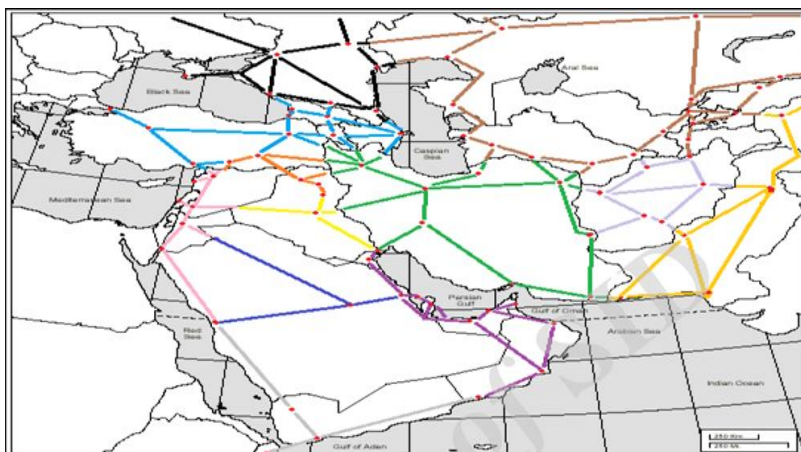
۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. اتخاذ سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در راستای همگرایی منطقه‌ای

بررسی آثار مؤلفان و صاحب‌نظران علوم جغرافیایی و علوم سیاسی، نشان می‌دهد، همه کسانی که در رابطه با سرچشمه‌های قدرت ملی بحث نموده‌اند، بالاتفاق بر تأثیر عوامل و ویژگی‌های جغرافیایی آن بر قدرت ملی تأکید کرده‌اند که موارد زیادی از نظر موضوع و مصداق با عوامل شناخته شده ژئوپلیتیک تطابق دارند که از جمله می‌توان به موقعیت‌های استراتژیک و ژئواستراتژیک، موقعیت‌های ارتباطی، دریایی و ساحلی، جنبه‌های طبیعی و فیزیکی سرزمین

نظیر شکل، وسعت، اوضاع توپوگرافی و اقلیم و وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و نوع و میزان منابع طبیعی و کمیت و کیفیت منابع انسانی و عناصر فرهنگی و تاریخی و... اشاره کرد. تمام این عوامل ژئوپلیتیکی با درجات مختلف، تأثیر قابل توجهی بر روند طراحی و اجرای استراتژی دارند.

عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند، به دو دسته کلی عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم‌بندی می‌شوند. موقعیت جغرافیایی و ژئواستراتژیکی ممتاز ایران برای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در منطقه به دلیل داشتن ویژگی‌هایی نظیر تسلط کامل ایران بر بخش عمده‌ای از سواحل شمال خلیج فارس و دریای عمان (سواحل مکران)، برخورداری از موقعیت گذرگاهی به واسطه کنترل بر بخش شمالی تنگه راهبردی هرمز، واقع شدن در بین دو مخزن عمده استراتژیک انرژی جهان (خلیج فارس و دریای مازندران)، داشتن کوتاه‌ترین مسیر به سمت اروپا در ترانزیت کالا پس از احیاء و تکمیل جاده ابریشم، اتصال به موقعیت‌بری اوراسیا، دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، نقش سرزمین گذرگاهی به واسطه پل ارتباطی بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا از اهمیت زیادی برخوردار است.



شکل (۳): نقشه کریدور مکران

(Source: <http://www.Crisisboom.com>)

از طرفی اهمیت راهبردی بندر چابهار با عبور از مانع پاکستان برای هند، مرکز وصل چند مسیر و کریدور شرق-غرب، جنوب-شمال، اروپا-قفقاز-آسیا است و می‌تواند در خدمت منافع ایران و هند باشد. کشور ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که در مسیر جنوب آسیا (هند، پاکستان، بنگلادش، میانمار، نپال و بوتان) و جنوب شرق آسیا (مالزی، اندونزی، ویتنام، کامبوج، تایلند و غیره) جهت صادرات انرژی و همچنین انتقال کالاهای این منطقه به سایر مناطق ژئوپلیتیکی جهان مانند آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا دارد ناگزیر به تلاش جدی برای نقش‌آفرینی در دنیای ژئوپلیتیک نوین می‌باشد و در غیر این صورت از کاروان دگرگونی‌های ژئوپلیتیک جهانی باز خواهد ماند.



شکل (۴): نقشه بندر چابهار

(Source: <http://www.Welt - Atlas of Strait of Hormoz>)

پنج مولفه کلان ژئوپلیتیکی شامل مولفه طبیعی (فیزیکی)، انسانی، اقتصادی، سیاسی (داخلی-بین‌المللی) و نظامی-امنیتی با عوامل تاثیرگذار، به شرح زیر بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال اقیانوس هند، تاثیرگذار هستند:

تحلیل ژئوپلیتیکی روابط کشورهای شمال اقیانوس هند..... 103

جدول (۱): مولفه‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در شمال اقیانوس هند

مولفه	تاثیرگذاری عوامل
طبیعی (فیزیکی)	موقعیت ژئوپلیتیکی، راهبردی و ژئواستراتژیک سواحل کشورهای شمال اقیانوس هند
	قلمرو دریایی کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	وسعت و طول سواحل کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	نقش و موقعیت راهبردی و ژئواستراتژیک تنگه‌های باب‌المندب، مالاکا، پالک و جزایر قوسی‌شکل در شمال اقیانوس هند
	نقش و موقعیت ارتباطی بین سه حوزه ژئواستراتژیکی عنی حوزه خلیج فارس، حوزه شبه‌قاره هند و حوزه آسیای جنوب‌شرقی
	وضعیت جغرافیای طبیعی (توپوگرافی و شبکه آب‌ها) کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	نقش و موقعیت حوزه شمال اقیانوس هند از لحاظ مهاجرت بین کشورهای واقع در سواحل شرقی- غربی شمال اقیانوس هند
	تأثیر آب و هوای (اقلیم) شمال اقیانوس هند بر حوزه مورد مطالعه
مولفه	تاثیرگذاری عوامل
انسانی	میزان وابستگی جمعیت به سواحل در بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	اقوام و گروه‌های نژادی و زبانی متجانس و نامتجانس واقع در سواحل کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	وضعیت و ظرفیت‌های موجود علمی، تحقیقاتی و دانش فناوری کشورهای شمال اقیانوس هند
	ویژگی‌های کیفی جمعیت (سواد، مهارت، سطح بهداشت، رفاه و غیره) در کشورهای شمال اقیانوس هند
	میزان وابستگی جمعیت سواحل پیرامونی حوزه مورد مطالعه به شمال اقیانوس هند
	میزان و اندازه جمعیت کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
میزان تراکم جمعیت کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند	
مولفه	تاثیرگذاری عوامل
سیاسی داخلی	وجود احزاب و گروه‌های سیاسی در بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	میزان همگرایی مردم با حکومت در بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	وجود اقلیت‌های قومی مذهبی نامتجانس در بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	وجود معضل قاچاق کالا و مواد مخدر در بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	هویت ملی و سابقه تاریخی ملت در بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	وضعیت امنیت داخلی کشورهای شمال اقیانوس هند
	وجود اختلافات مرزی و ادعای ارضی کشورهای شمال اقیانوس هند

مؤلفه	تأثیر گذاری عوامل
سیاسی بین المللی	عضویت کشورهای حوزه تحقیق (شمال اقیانوس هند) در معاهدات نظامی و ایجاد پیمان‌های دفاعی - امنیتی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
	دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی در کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	قرار گرفتن حوزه شمال اقیانوس هند در کانون توجه و علائق ژئوپلیتیکی بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
	افزایش حضور و فعالیت گروه‌های تروریستی و شرور در کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	وضعیت تحرک، کارآمدی و موفقیت سیاست خارجی در حوزه شمال اقیانوس هند
	عضویت و نفوذ کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند در اتحادیه‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی
	نقش کشور چین، ایالات متحده آمریکا، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه شمال اقیانوس هند
وضعیت سیاسی کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند	

مؤلفه	تأثیر گذاری عوامل
نظامی - امنیتی	عضویت کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند در معاهدات نظامی و ایجاد پیمان‌های دفاعی - امنیتی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
	حضور نیروها و ناوگان آمریکا به عنوان یکی از بازیگران فرامنطقه‌ای در حوزه شمال اقیانوس هند
	بهره‌مندی از تاسیسات و صنایع نظامی داخلی و فناورانه پیشرفته دفاعی
	تأثیر وضعیت نظامی کشورهای فرامنطقه‌ای بر حوزه شمال اقیانوس هند
	ارتقاء توانمندی‌های نظامی کشورهای پیرامونی حوزه شمال اقیانوس هند
	شرایط و وضعیت امنیت داخلی کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
توان کمی و کیفی نیروهای مسلح کشورهای شمال اقیانوس هند	

مؤلفه	تأثیر گذاری عوامل
اقتصادی	ظرفیت‌های زیرساختی موجود (مانند شبکه‌های ارتباطی و جاده‌ای، نیروگاه‌ها، سد‌ها، بنادر، اسکله‌ها و غیره) در کشورهای شمال اقیانوس هند
	شبکه‌های ارتباطی حمل و نقل و خطوط انتقال کالا و انرژی کشورهای شمال اقیانوس هند
	وضعیت و ظرفیت‌های اقتصادی از جمله کشاورزی، صنعتی (مانند کشتی‌سازی) و خدماتی (مانند بنادر و خدمات دریایی) کشورهای شمال اقیانوس هند
	عضویت و نفوذ کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند در اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی
	منابع طبیعی، انرژی و معادن زیرزمینی واقع در سواحل حوزه شمال اقیانوس هند
	معضل بیکاری، تورم و فقر اقتصادی در کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند

برای تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی، چنانچه راهبردهای سیاست خارجی، راهبرد امنیت ملی و سایر مبانی بالادستی مفروض گرفته شود، در این صورت با توجه به هم‌پوشانی عوامل ژئوپلیتیک با بخش عمده‌ای از عوامل قدرت ملی، می‌توان با بررسی عوامل مزبور در قالب تحلیل محیطی و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری‌ها، نسبت به تبیین و ارائه سیاست‌گذاری اقدام نمود.

۴-۲. تعیین مؤلفه‌های اساسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در راستای تقویت همگرایی

منطقه‌ای

منطقه شمال اقیانوس هند به‌عنوان بخشی از بیضی استراتژیک انرژی، به‌عنوان یک منطقه حساس در سیاست‌های جهانی مطرح و سبب رقابت‌های فرامنطقه‌ای در جهت دستیابی به منابع عظیم این منطقه گردیده است. حضور هند، پاکستان، ژاپن، چین، ایران، کشورهای جنوب‌شرق آسیا، کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا در منطقه شمال اقیانوس هند از ثمرات این وضعیت است که رقابت میان آنها دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و فرهنگی است. مجاورت منطقه بیضی استراتژیک انرژی با چین (دارای سیاست خارجی مستقل از آمریکا) و در تقابل با هند (دارای سیاست خارجی همسو با آمریکا) و همچنین حضور جمهوری ایران اسلامی در این منطقه که سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی را دنبال می‌کند از دیگر عوامل اهمیت منطقه شمال اقیانوس هند می‌باشد. رقابت‌های بین آنها، حساسیت‌های سیاسی را باعث شده تا منابع عظیم نفت و گاز که در بدو اقتصاد و تجارت آنها به ذهن متبادر می‌گردد به منابعی با ماهیتی سیاسی و به شدت تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی و تحولات بین‌المللی قرار گیرد. قدرت‌های فرامنطقه‌ای، مبارزه سیاسی شدیدی را برای کنترل منابع انرژی و بهره‌برداری از آن اتخاذ کرده‌اند. اهمیت استراتژیک منابع نفت و گاز از یک طرف عامل تقویت و افزایش توان اقتصادی کشورهای منطقه و از سوی دیگر کنترل این منابع می‌تواند در امنیت منطقه و کشورهای آن، نقش تعیین‌کننده داشته باشد. کشور ایران در صورتی که اراده بر همکاری برای ترانزیت نفت و گاز منطقه از خاکش و راه‌های دریایی اش داشته باشد با مخالفت و رقابت آمریکا مواجه است. رقابت استراتژیک آمریکا و چین در این منطقه با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران بر این کشور موثر است. لذا تحولات

ژئوپلیتیکی پایان قرن بیستم که با فروپاشی شوروی و همزمان با پایان یافتن جنگ سرد و به بن بست رسیدن استراتژی نظامی در منطقه رخ نمود در قرن ۲۱ با توجه به محور قرار گرفتن اقتصاد و تجارت بین دولت‌های محلی که از آن به‌عنوان ژئواکونومی و اقتصاد جهانی یاد می‌کنند روابط بین کشورها را تحت تأثیر خود قرار داده است. مطلوب‌ترین سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاسی برای ایران در حال حاضر اتخاذ استراتژی اتحاد و ائتلاف است زیرا ایران می‌تواند با عضویت در پیمان‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت توسعه اقتصادی، نهایت بهره‌برداری را نماید.

از طرفی عصاره سند چشم‌انداز ج.ا.ایران در سال ۱۴۰۴، اشعار می‌دارد که ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه. آنچه در سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، سیاست‌های کلی نظام در مورد انرژی، سیاست‌های کلی نظام صادره از مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول پایه و داکترین جمهوری اسلامی ایران در وزارت امور خارجه بر می‌آید، این است که به موضوع اقتصاد برای ایجاد تعادل و ثبات سیاسی در کشور و در نتیجه تضمین استمرار امنیت ملی، توجه و تاکید خاص شده است. از طرف دیگر موضوع انرژی و مخصوصاً نفت و گاز و صنایع مربوط و همچنین بهره‌برداری از موقعیت کشور برای ترانزیت و خرید و فروش و معاوضه حامل‌های انرژی از جمله مسائل مورد تاکید است. همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد توجه این سیاست‌ها است و پراهمیت‌ترین قضیه مطرح شده، بهره‌گیری از روابط سیاسی برای نهادینه کردن روابط اقتصادی است. یعنی در سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم و سیاست‌های کلی انرژی به موضوع اقتصاد و ژئواکونومی با تاکید بر بخشی که کشور در آن از مزیت نسبی بالایی برخوردار است توجه خاصی به عمل آمده است. فلذا تبیین تحولات ژئوپلیتیک شمال اقیانوس هند با تاکید بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و ارائه پیشنهادهای در جهت این مطلب در فضای ژئوپلیتیکی ایجاد شده در حوزه شمال اقیانوس هند رسالت اصلی این مقاله می‌باشد.

مولفه‌های اساسی که در تدوین سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظرات خبرگان حوزه تحقیق، متخصصین ژئوپلیتیک و انجام مطالعات وسیع کتابخانه‌ای و اسنادی شناسایی

شده‌اند، در چهار مولفه شامل مولفه مبانی، سیاست‌ها و اسناد بالادستی، وضعیت محیط داخلی جمهوری اسلامی ایران، وضعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وضعیت حوزه سیاست‌های اجرائی، عملیاتی و اقدام‌پذیر جمهوری اسلامی ایران به شرح جداول ذیل تعیین گردیده‌اند.

جدول (۲): مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه	تأثیرگذاری عوامل
مبانی، سیاست‌ها و اسناد بالادستی	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
	سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی انرژی
	سیاست‌های کلی نظام صادره از مجمع تشخیص مصلحت
	اصول پایه و داکترین جمهوری اسلامی ایران در وزارت امور خارجه
مؤلفه	تأثیرگذاری عوامل
وضعیت محیط داخلی جمهوری اسلامی ایران	تقویت انگیزه‌ها و علائق مذهبی مردم و تشویق آحاد ملت به انسجام و اتحاد و سامان بخشیدن به هویت ملی از طریق ایجاد چشم‌انداز فضایی - جغرافیایی از مرکز به پیرامون
	ایجاد پیوند میان اقلیت‌ها و اکثریت از طریق متجانس نمودن ساختار فضایی ملی در بخش مرکزی و واحدهای حاشیه‌ای
	شناسایی منافع ملی اعم از مادی و معنوی، عینی و ذهنی برای افراد ملت و تشریح و شفاف‌سازی این منافع در اذهان عمومی مردم
	شناسایی و معرفی عوامل تهدیدکننده منافع ملی اعم از تهدید نظامی مرزها، تهدید سیاسی، تهدید امنیت عمومی، منافع و هویت ملی و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی
	تقویت فعالیت‌های تشکلی و احزاب سیاسی ملی، سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی غیردولتی (NGO) ها در سطح ملی به منظور پیوند دادن گروه‌های اجتماعی و فضایی ملت به یکدیگر
	برقراری عدالت جغرافیایی در کشور جهت توسعه و بهبود شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
	ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی جهت سرمایه‌گذاران خارجی و علاقه‌مند به شرکت در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی
	طراحی و توسعه الگوهای مشارکت ملی در امور سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و علمی و غیره

مؤلفه	تأثیرگذاری عوامل
وضعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	ایجاد حسن اعتماد و برقراری روابط سازنده بین کشورهای شمال اقیانوس هند
	اتخاذ استراتژی بحری و رویکرد ژئواکونومیکی به حوزه شمال اقیانوس هند
	کاستن از تهدیدهای امنیتی از طریق ایجاد تفاهم در سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
	عضویت فعال در پیمان‌ها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با رویکرد اتخاذ استراتژی اتحاد و ائتلاف با کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند
	تعامل سازنده کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند با کشورهای فرامنطقه‌ای به خصوص آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا به عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای در این حوزه
	رویارویی منطقی و معقول در رابطه با مسائل منطقه‌ای و جهانی و پرهیز از اتخاذ استراتژی انزواگرایی
	توسعه و ارتقاء توانمندی‌های نظامی کشورهای پیرامونی حوزه شمال اقیانوس هند

مؤلفه	تأثیرگذاری عوامل
وضعیت حوزه سیاست‌های اجرایی، عملیاتی و اقدام‌پذیر جمهوری اسلامی ایران	وضعیت اقتصادی
	وضعیت سیاسی
	وضعیت نظامی و امنیتی
	وضعیت جغرافیایی
	وضعیت اجتماعی

۳-۴. بررسی میزان تأثیرگذاری و اولویت‌بندی عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی

ایران در راستای تقویت همگرایی منطقه‌ای

اولویت‌بندی تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از مدل سلسله‌مراتبی (که در یک سطح صورت می‌گیرد) بر اساس پنج مؤلفه استخراج شده، شامل مؤلفه طبیعی (فیزیکی)، انسانی، اقتصادی، سیاسی (داخلی - بین‌المللی) و نظامی - امنیتی، به ساختاری سلسله‌مراتبی تبدیل گردید.

Goal: Prioritization of the effect of geopolitical factors in the North Indian Ocean on the policy of the Islamic Republic of Iran

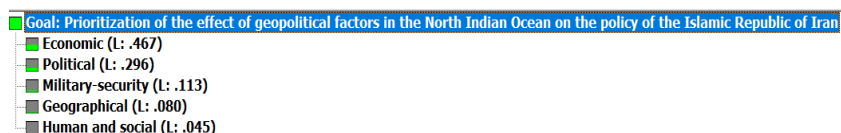
Economic | Political | Military-security | Geographical | Human and social

شکل (۵): الگوی ساختار سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند

برای تعیین میزان تاثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، محاسبات مربوطه از طریق نرم‌افزار Expert choice و بر پایه مطالعات فازی و در قالب طیف ساعتچی و به صورت زوجی (دوبه‌دو با هم) مقایسه صورت پذیرفته است و اوزان هر یک از معیارها مشخص گردیده است. یکی دیگر از اطلاعات گزارش شده در جدول نسبت‌سازی (CR) است که برای سنجش اعتبار مقایسه‌ها کاربرد دارد و اگر بیشتر از ۰.۱ بود باید مقایسه‌ها مجدداً صورت گیرد، زیرا ناسازگاری وجود دارد.

جدول (۳): اوزان نسبی معیارهای اصلی در مدل

مقایسه زوجی	زیرمعیارها	وزن نسبی	وزن نرمال شده	رتبه	نرخ ناسازگاری
معیار اصلی	اقتصادی	۰.۴۶۷	۱.۰۰۰	۱	۰.۰۷
	سیاسی	۰.۲۹۶	۰.۶۳۴	۲	
	نظامی-امنیتی	۰.۱۱۳	۰.۲۴۱	۳	
	جغرافیایی	۰.۰۸۰	۰.۱۷۱	۴	
	انسانی-اجتماعی	۰.۰۴۵	۰.۰۹۵	۵	



شکل (۶): نمودار درختی نتایج اولویت‌بندی تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند بر سیاست‌گذاری

ایران

همان‌طور که در جدول و شکل فوق نشان داده شده است، وزن شاخص اقتصادی ۰.۴۶۷، عامل سیاسی ۰.۲۹۶، عامل نظامی-امنیتی ۰.۱۱۳، عامل جغرافیایی ۰.۰۸۰، ۰.۰۵۹ و عامل انسانی-اجتماعی ۰.۰۴۵ است. همچنین مقدار ناسازگاری ۰.۰۷ می‌باشد (که کم‌تر از ۰.۱۰ بوده و در سطح پذیرفته شده است). بنابراین میزان تاثیرگذاری و اولویت‌بندی عوامل ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند بر تدوین سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، مبین این مورد است که در حوزه شمال اقیانوس هند ۵ مؤلفه کلان ژئوپلیتیکی موثر به ترتیب اهمیت شامل مولفه اقتصادی با وزن نرمال شده ۱.۰۰۰ رتبه یک، مولفه سیاسی (داخلی و بین‌المللی) با وزن نرمال شده ۰.۶۳۴ رتبه

دوم، مولفه نظامی امنیتی با وزن نرمال شده ۰.۲۴۱ رتبه سوم، مولفه طبیعی (فیزیکی) با وزن نرمال شده ۰.۱۷۱ رتبه چهارم و مولفه انسانی- اجتماعی با وزن نرمال شده ۰.۰۹۵ رتبه پنجم بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارند.

۵. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند و ارائه راهکارهایی متناسب و متناظر در جهت کمک به سیاست‌گذاری‌ها و ایجاد بستر لازم علمی جهت سیاست‌گذاری‌های خرد کشور جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دانش ژئوپلیتیک، ایجاد پیوند ژئوپلیتیکی بین کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند با منافع جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلی در این پژوهش می‌باشد. تجزیه و تحلیل در این تحقیق به روش آمیخته (کمی و کیفی) انجام گردیده است. در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش کیفی، روابط کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند و جمهوری اسلامی ایران بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. در مرحله بعد نسبت به احصاء و تعیین عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران و تعیین تأثیر نقش آن‌ها در تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه اقدام شده است. برای تعیین نقش و میزان تأثیر (وزن) هر یک از عوامل در تدوین سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه مذکور، از روش مقایسه زوجی با استفاده از نرم‌افزار expert choice به روش کمی استفاده شده است. بنابراین در حوزه شمال اقیانوس هند ۵ مولفه کلان ژئوپلیتیکی مؤثر شامل طبیعی (فیزیکی)، انسانی، اقتصادی، سیاسی (داخلی، بین‌المللی) و نظامی- امنیتی وجود داشته که بر تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. مولفه‌های کلان ژئوپلیتیکی، ارتباط سازنده و معناداری با یکدیگر داشته و می‌توان گفت که در بین این مولفه‌ها، میزان ارتباط و همبستگی بین سیاست خارجی و اقتصاد بیشتر است. بنابراین با توجه به مولفه‌ها و شاخص‌های اساسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران (مبانی، سیاست‌ها و اسناد بالادستی، وضعیت محیط داخلی، وضعیت سیاست خارجی، وضعیت حوزه سیاست‌های اجرایی، عملیاتی و اقدام‌پذیر جمهوری اسلامی ایران) تأکید بسیار زیادی بر همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد توجه این سیاست‌ها است و پراهمیت‌ترین قضیه مطرح شده،

بهره‌گیری از روابط سیاسی برای نهادینه کردن روابط اقتصادی است. این در حقیقت، توجه خاص سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران به موضوع اقتصاد و ژئواکونومی با تاکید بر بخشی که کشور در آن از مزیت نسبی بالایی برخوردار است، می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی کشور جمهوری اسلامی ایران در شمال اقیانوس هند و مجاورت در کنار دو حوزه دریایی مهم با دارا بودن حدود ۳۰۰۰ کیلومتر ساحل دریایی در جنوب، یکی از نادرترین و بارزترین موقعیت‌های راهبردی در جهان می‌باشد. این موقعیت با توجه به منابع نفت و گاز موجود و اشرافیت بر خلیج فارس، دریای عمان و شمال اقیانوس هند موجب اهمیت روزافزون این منطقه (شمال اقیانوس هند) در معادلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان می‌باشد.

سیاست نگاه به شرق، رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی و شمال شرقی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تعمیق مناسبات همگرایی با بازیگران حاضر در این مناطق است به گونه‌ای که در راستای تأمین منافع اقتصادی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های توسعه‌ای و ارتقای ضریب امنیتی کشور، نیاز به همکاری و ائتلاف با این کشورها از طریق تعامل دوجانبه و همکاری‌های جمعی در چهارچوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای نظیر آسیا-اقیانوسیه، آ.سه.آن، سارک و دی هشت وجود دارد. در نگاه به شرق، اهمیت کشورهایی مانند چین، هند و مالزی بسیار بارز و مشخص است. چین و هند هرکدام مهره‌های بزرگی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و طی سال‌های اخیر روند پیشرفت و قدرت‌گیری و ارتقاء جایگاه را با سرعت چشمگیری طی کرده و از توان بالایی جهت کمک به تأمین منافع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برخوردارند.

جمهوری اسلامی ایران به واسطه تعلق به حوزه تمدنی مشرق زمین و داشتن اشتراکات فرهنگی، تاریخی و هویتی با ساکنان این حوزه، راحت‌تر می‌تواند با بازیگرانی نظیر چین، هند، مالزی و دیگران ائتلاف و همگرایی برقرار سازد، لذا نیاز به طراحی یک سیاست‌گذاری مناسب در جهت بهره‌برداری بهینه از حداکثر ظرفیت‌های این کشورها در راستای ارتقای منافع ملی است. کسب توان لازم برای ایفای نقش تأثیرگذار در مسائل منطقه‌ای و جهانی و تعامل با جهان، نیازمند ارتقاء ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در تمامی حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی،

فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران در سیاست‌گذاری خود در حوزه شمال اقیانوس هند سبب شده است تاکنون گفتمان‌های سیاست خارجی‌اش، امنیت محور باشد و این امر اجازه نداده تا اولویت‌های اقتصادی، جایگاه خود را به دست آورد. سیاست خارجی ایران چندان به مناطق اقتصادی و نوظهور، توجهی نداشته است. اگر در مقاطعی هم به شرق آسیا نگاهی داشته است این نگاه معطوف به توان‌چین برای تقابل با غرب و بهره‌گیری از نیازهای انرژی این کشور و توان نظامی- تسلیحاتی بوده است.

روابط سیاسی ایران با کشورهای شمال اقیانوس هند بیشتر حول موضوع انرژی هسته‌ای، حضور نیروهای خارجی و دخالت‌های آنها و ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه است. مناسبات گسترده کشورهای شمال اقیانوس هند متأثر از غرب به محوریت آمریکا است. بسیاری از کشورهای این منطقه، افزون بر روابط اقتصادی وسیع با آمریکا و کشورهای اروپا دارای روابط امنیتی و نظامی با آمریکا هستند. به طور طبیعی و با توجه به روابط خصمانه ایران با آمریکا، نمی‌توان امیدوار بود که این کشورها در مناسبات خود با ایران، ملاحظات را در نظر نداشته باشند. ایالات متحده، کشور چین را به عنوان تهدیدکننده منافع خود در نظر می‌گیرد. علاوه بر چین، آمریکا به کشورهای رقیب و دشمن خود نیز حساسیت بالایی دارد. یکی از این کشورها، ایران است که با ظهور انقلاب اسلامی چالشی امنیتی، انرژی و فرهنگی و سیاسی برای ایالات متحده محسوب می‌گردد. بنابراین ورود ایران به این منطقه تحت‌تأثیر و جو سنگین حضور ایالات متحده آمریکاست.

شرایط حضور نامناسب اقتصادی ایران در این منطقه و فشارهای امنیتی و سیاسی بر ایران از سوی قدرت‌ها به ویژه آمریکا، سبب ناکارآمدی مضاعف برای ایران شده است. علاوه بر وضعیت فعلی، ظهور هند به‌عنوان یک قدرت اقتصادی بزرگ و در حال ظهور را نیز باید به مثابه یک روند تشدیدکننده وضعیت کنونی ایران در منطقه شمال اقیانوس هند محسوب نمود. همچنین تبلیغات صورت‌گرفته در منطقه شمال اقیانوس هند باعث گردیده برخی از دولت‌ها به ویژه مالزی و اندونزی را در این مسیر هدایت کرده که اگر زمینه برای حضور ایران در منطقه فراهم شود به دلیل نوع ارتباط‌گیری ایران با مسلمانان می‌تواند برای دولت‌های مرکزی آن‌ها،

چالش برانگیز باشد. همه این عوامل باعث گردیده ایران نتواند نقش اثرگذار خود را در حوزه شمال اقیانوس هند به طرز مناسبی ایفاء نماید. بنابراین اولویت اول سیاست خارجی ایران، باید در راستای تامین منافع اقتصادی کشور باشد و در روابط سیاسی ایران با کشورهای شمال اقیانوس هند، امنیتی کردن فضای ارتباط و مذاکره پیرامون موضوعاتی نظیر انرژی هسته‌ای، حضور نیروهای خارجی و دخالت‌های آنها و ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه، خودداری شود زیرا مناسبات گسترده کشورهای شمال اقیانوس هند، متأثر از غرب به محوریت آمریکا است. با توجه به وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی مناسب در سواحل جنوب شرق ایران و نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها به ویژه نقش سواحل مکران در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران به پیگیری لازم در خصوص ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل دریای عمان و شمال اقیانوس هند، پیوند و منزلت ژئوپلیتیکی خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین منافع اقتصادی و امنیت ملی خود تولید نماید.

۶. قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های راهگشای اساتید محترم دانشگاه شهید بهشتی، تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Ahmadi, S; Badyei, M; Heydari Mosulo, T (2016). Theoretical explanation of the changing nature of Geopolitical regions in competition between powers. *Geopolitics Quarterly*, 3 (47) , 55-78. **[In Persian]**
2. Rasooli Saniabadi, E (2019). Comparative Analysis of u.s 2017 National Security Strategy Document towards China and Iran. *Geopolitics Quarterly*, 14(52), 188-208. **[In Persian]**
3. Ezzati, E (2018). *Geopolitic*, Tehran : Puplications samt. **[In Persian]**
4. Ezzati, E; Shoukri, S (2012). Investigating the Position of Chabohar in north-south transit and its role in the development of neighboring cities , *Geographics Quarterly of the land*, 9(3), 6-10. **[In Persian]**
5. Gafari veldani, A (2005). *The new geopolitics of the Red Sea and Persian Gulf*. Tehran : Publications and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
6. Ghulipor, R; Gulamporahangar, E (2010). *Public Policy Process in Iran* , Tehran : publications of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly. **[In Persian]**
7. Hafeznia, M (2014). *Geopolitical Principles and Concepts*. Mashhad : Publications Papeli. **[In Persian]**
8. Hafeznia, M (2019). *Political Geography of Iran*. Tehran : Publications samt. **[In Persian]**
9. Hafeznia, M; Ahmadipor, Z; CHamran, B (2012). Explaning the Spatial Pattern and map of the geopolitical territories of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Defense Strategy*, 10(39), 197-229. **[In Persian]**
10. Hafeznia, M; Romina, E (2005). Analysis of the geopolitical Capacities of the Southeastern Coasts of Iran in the with national interests. *Journal of Geography and Development*, 3(6), 5-20. **[In Persian]**
11. Mossallanejad, A (2018). The Middle East Security and Donald Trumps Grand Strategy , *Geopolitics Quarterly*, 13(4), 20-52. **[In Persian]**
12. Nasirpour, G (2018). Iran-India Relations With Future Prospects, *Geopolitics Quarterly*, 14(52), 165-187. **[In Persian]**
13. Neyakuei, S; Bahramimoghaddam, S (2014). Iran-India relations opportunities and Limitations, *Foreign Relations Quarterly*, 21(3), 136-141. **[In Persian]**
14. Pisgahi fard, Z. (2009). The Position of the Indian Ocean basin and its Strategic Straits in the Process of Globalization. *Geographical Journal*, 3(10), 153-190. **[In Persian]**
15. Rahimpor, A (2002). Geostrategic developments in the 21st century and the Position of the region and Iran. *Journal of Political Economic Information*, 17(3), 183-184. **[In Persian]**

16. Saghafi ameri, N (2012). Strategies and developments after the Cold war. Tehran: Publications and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
17. Sharyatpanahi, M; Karimi pashaki, S; Kazemipor, A; Zeinati, S; Amanallah, M. (2017). Analysis of Irans Position in the geostrategic Field of the Indian Ocean with emphasis on Providing a strategic model in foreign policy and economic planning, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, 9(2), 42-43. **[In Persian]**
18. Soltani, N; KHurshidi, N; Mosumi, A (2014). Development in Regionalism and Assessing the Status of the Association of Southeast Asian Nations. Foreign Policy Quarterly, 28(3), 501-520. **[In Persian]**
19. Taherimosavi, M (2008). Geography and national strategy of Iran , Tehran: Publications Geographical Organization of the Armed Forces. **[In Persian]**
20. Zarei, B. (2018). 21 st Century Asia Pacific. Tehran : Publications Tehran University. **[In Persian]**
21. Kliot, S; Cohen, S (2009). International Encyclopedia of Human Geography, 2(1), 167-168, Elsevier Ltd.
22. Laaksonen, E; Makinen, H (2012). Maritime Cluster Analysis on the central Baltic Region. university of Turku Research Report, 1.
23. Medcalf, R (2013). India Poll 2013 : Facing the Future – Indian Views of the World ahead, Lowy Institute for International Policy.
24. Panikkar, K.M (1943). The Future of South – East Asia : an Indian View, New York : Macmillan.
25. Cohen, S (1973). Geography and Politics in a Pivided 2 nd ed. new york : Oxford University Press.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

